

جمهوری اسلامی، جهنمی برای جوانان میهن ما!

کشور ما ایران دارای ترکیب جمعیتی جوان است. طبق سرشماری عمومی سال ۱۳۵۵، ۶۱٫۵ درصد مجموع افراد جامعه کمتر از ۱۴ سال سن داشتند. بخش اصلی این توده عظیم نوجوان و جوان همان فرزندان کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان شهرونده هستند که از کودکی با چهره زشت بیعدالتی، فقر و محرومیت روبرو می شوند. در سال ۱۳۵۵ فقط بر اساس آمار دولتی، بیش از ۶۵ هزار نوجوان ۱۰ تا ۱۴ ساله و حدود ۲۰۳ میلیون جوان ۱۵ تا ۱۹ ساله مجبور بودند برای گذشتن تکه نانی بر سفره خانواده، در بدترین شرایط ممکن کار کنند. این فقط یک چهره از زندگی جوان ایرانی بود. در همان سال بیش از ۴٫۵ میلیون نوجوان و جوان در سن تحصیل به مدرسه و کلاس راه نیافتند. در آخرین سال های حکومت ضد مردمی شاه، تنها برای کمتر از ۱۰٪ جوانان پس از خاتمه دوره متوسطه، امکان پر خوردهاری از آموزش عالی وجود داشت. از سوی دیگر عدم کارایی نظام آموزشی عملاً فارغ التحصیلان جوان را در دستیابی به یک آینده مطمئن با مشکلات جدی مواجه می کرد. بیکاری آشکار و نهان در میان جوانان هر روز ابعاد وسیعتری به خود می گرفت و جوانان هیچگاه از تامین اجتماعی لازم برخوردار نبودند.

گوشه دیگری زندگی جوانان نیز به همین گونه تاریک و سرد بود. جوانان می بایستی شنا را در جوی های لجن آلود و فوتبال را در کوچه پس کوچه های تنگ شهرویا زباله دانی های حاشیه شهر بیاموزند و چه بسا تا پایان عمر پایشان به کتابخانه و مراکز فرهنگی دیگر باز نمی شد. در یک کلام برای فرزندان میهن ما، سال های نوجوانی و جوانی نه سال های شیرین و فراموش نشدنی رشد و شکوفایی تن و روان، که سال های رنج و محرومیت و بیهودگی بودند.

بر چنین زمینه ای نسل جوان که ریشه همه بدبختی ها و محرومیت های خود را در ماهیت ضد مردمی، وابسته ز انبنداتی رژیم شاه می یافت، فعالانه در مبارزه علیه آن شرکت جست و در آخرین روزهای حیات رژیم در سال ۱۳۵۷ به حق نقش انقلابی شایسته و فراموش نشدنی در کنار دیگر توده های مردم ایفا کرد. توده های جوان و انقلابی در سال ۱۳۵۷ پرچم خونین مبارزه ای را که جوانان در سال های قبل و پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۳۲ نفر افرشته بودند با شایستگی تمام به دوش کشیدند و با دادن شهدای بسیار، روزهای تاریخی ۱۳ آبان و ۴۰ رابا فرورو افتخار آفریدند و هنگام با سایر توده های خلق، رژیم پوسیده و فاسد شاهنشاهی را به زباله دانی تاریخ افکندند. بقیه در صفحه ۲

۴۱ سال مبارزه پیگیر در راه حقوق زحمتکشان جوان

- سازمان جوانان توده ایران برای منع کار کودکان و نوجوانان کمتر از ۱۴ سال مبارزه می کند.
- تمام زحمتکشان نوجوان و جوان باید از حقوق کامل و قانونی برخوردار باشند
- باید برای بالا بردن مهارت کارگران نوجوان و جوان دوره های حرفه آموزی کوتاه مدت ترتیب داد.

حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران از بدو تشکیل، به این پدیده ناهنجار اجتماعی، یعنی بهره گیری از کار کودکان و استثمار نوجوانان و جوانان توجه داشته است و از این رو کار در میان توده عظیم زحمتکشان، کمک به رشد آگاهی و نیز سازماندهی آنها همواره یکی از وظایف اصلی سازمان جوانان توده ایران بوده است.

سازمان جوانان توده ایران توانست در سال های اول تشکیل خود به خوبی اندیشه های مردمی و انقلابی حزب توده ایران را در میان زحمتکشان جوان ترویج کند و زمینه فعالیت و مبارزات اجتماعی گسترده آنان را فراهم آورد. در این زمینه، شرکت وسیع کارگران و دیگر بقیه در صفحه ۴.

در کشور ما نیز مانند دیگر کشورهای سرمایه داری چهار گوشه گیتی، استفاده از کار کودکان و نوجوانان و استثمار بی رحمانه جوانان محروم شهر و روستا در مقیاس وسیع رایج است. صدها هزار نوجوان و جوان شهر و روستا که همگی فرزندان خانواده های زحمتکش این آب و خاک اند، هنوز دست چپ و راست خود را نشناخته، باید در کارگاه، مزرعه و کارخانه کار کنند تا کمکی به خانواده خود برسانند. این توده وسیع در ابعاد واقعاً غیر انسانی و بی هیچ خدو مرزی مورد استثمار، تحقیر و آزار قرار می گیرند، نه کلاس درسی می شناسند، نه سال های شیرین نوجوانی و جوانی. این فرزندان کار و زحمت در بهترین سال های عمر خود، در سال های رشد و شکوفایی، پرپر می شوند.

سازمان جوانان توده ایران در مبارزه برای دگرگونی بنیادی نظام آموزشی

اکثریت آنهایی که به مدرسه راه می یافتند، موفق به پایان تحصیلات خود نمی شدند. در حالی که فرزندان خانواده های مرفه از امکانات آموزشی فوق العاده ای برخوردار بودند. در بسیاری از مناطق محروم، دسترسی به ابتدایی ترین امکانات تحصیلی مانند کلاس، کتاب و معلم به دشواری میسر بود. کیفیت آموزش نازل بود و نظام، کارایی لازم را نداشت

جوانان توده ای از همان روزهای پیروزی انقلاب، شعارهای سنجیده و اساسی حزب توده ایران در زمینه آموزش و پرورش را به میان جوانان شهر و روستا بردند. نظریات سازنده و پربار حزب توده ایران در زمینه مسایل آموزشی که از طریق نشریات حزب و سازمان جوانان توده ایران در سطح جامعه مطرح می شد، نقش بسیار موثری در شکل گیری خواسته های مشخص و بنیادی مردم در این زمینه ایفا کردند. رؤس برنامه حزب توده ایران برای تحول بنیادی در نظام آموزشی در جامعه ما را موارد زیرین تشکیل می داد:

در سال های پس از انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران، مبارزه سازمان جوانان توده ایران برای دگرگونی بنیادی در نظام آموزش و پرورش کشور ما بخش مهمی از مبارزه سازمان در جهت دفاع از حقوق جوانان را تشکیل می دهد. واقعیت این است که انقلاب سال ۱۳۵۷، امکان بسیار مساعدی برای تحول بنیادی در نظام آموزشی فاسد و ضد مردمی رژیم گذشته به وجود آورد. شرکت پر شور و فداکارانه دانش آموزان، دانشجویان و کادرهای آموزشی در تمام مراحل انقلاب و وجود روحیه انقلابی و ایثارگرایان در محیط های آموزشی، اهم بسیار موثری برای اجرای سریع یک برنامه انقلابی و مترقی آموزشی و در جهت نیازهای واقعی کشور به شمار می رفت. در تمام طول انقلاب تغییر بنیادی نظام آموزشی، همواره یکی از خواسته های اصلی جوانان ما را تشکیل می داد. جوانان و مردم به روشنی می دیدند نظام آموزش و پرورش شاهنشاهی، ضد مردمی و طبقاتی است. برخلاف جهت نیازهای واقعی کشورمان حرکت می کند. در نظام آموزشی شاه صدها هزار تن از فرزندان زحمتکشان به مدرسه و کلاس راه نداشتند و

جمهوری اسلامی، جهنمی برای جوانان میهن ما!

بقیه از صفحه ۱

جوانان در جستجوی زندگی بهتر

پیروزی بزرگ مردم ایران در سرنوشتی یک رژیم استبدادی قدرتمند که از حمایت همه جانبه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا برخوردار بود، افق‌های نوین و دلگرم کننده‌ای در برابر نسل جوان گستراند. آنها به حق انتظار داشتند، انقلاب با زودن محرومیت‌ها و کمبودهای گذشته برای آنها زندگی بهتر، امکانات فزونی‌تر و آینده‌ای مطمئن و روشن به ارمغان آورد. این انتظارات بجا، همواره در جریان انقلاب و پس از آن در کنار دیگر خواست‌های مردم مطرح می‌شدند. اما باید افزود که نسل جوان انقلابی، چون سایر توده‌های مردم به تجربه در جریان مبارزات ضد امپریالیستی، آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه دریافته بودند که تحقق خواست‌ها و آرزوهای آنها به نتیجه مبارزه گسترده‌ای که میان مدافعان نظام سرمایه‌داری و بزرگ مالکی از یک سو با نیروهای ترقی‌خواه و انقلابی خواستار تغییرات عمیق اقتصادی و اجتماعی به نفع محرومین جامعه و استقرار یک نظام عادلانه مردمی از سوی دیگر جریان داشت، بسته است. از اینرو جوانان هم در همه مراحل مبارزات حاد پس از انقلاب شرکت کردند و همه جا فداکارانه در سنگرهای دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن حضور یافتند. در این زمینه، استقبال بی‌نظیر جوانان از اشغال جاسوسخانه آمریکا، شرکت فعال و همه‌جانبه جوانان در فعالیت‌های دو سال اول جهاد سازندگی در روستاها، دفاع فداکارانه از خاک میهن در برابر دشمن متجاوز، فعالیت خودجوش گسترده در محلات و مدارس برای رفع برخی نیازهای خود و اهالی محل و حضور فعال در صفوف نیروهای سیاسی مدافع آرمانهای انقلاب نمونه‌های گلگفتنی هستند.

اما جوانان از این همه فداکاری و شور و هیجان انقلابی خود چه نصیبی برده‌اند؟ آیا ج.ا. که خود را نماینده و مینوه انقلاب ایران می‌داند، کدامیک از مشکلات زندگی و کار یا تحصیل جوانان را برطرف کرده است؟ چنانچه سرین، زندان و شکنجه، تبعیض و سرکوب چه چیزی نصیب جوانان گشته است؟ تا همین امروزه ما هزار جوان پر شور و انقلابی که با قلبی مملو از عشق به انقلاب، میهن و مردم فداکارانه و صادقانه به مبارزه اجتماعی روی آورده بودند، بخاطر سیاست‌های ارتجاعی، ضد مردمی، انحصار طلبانه و سرکوبگرانه حاکمیت ج.ا. در جل خاک‌های سرد خفته‌اند. رژیم در برخی از زمینه‌ها آنچنان با وقاحت حقوق جوانان را پایمال می‌کند که امروز جامعه با یک بحران واقعی در زمینه مسایل و حقوق جوانان روبرو است. هر چند رژیم توانسته است هنوز هم تعدادی از نوجوانان و جوانان ساده‌دل را با شعارهای خالی از محتوی و با القای باورهای دروغین

در اطراف خود نگه دارد و از آنها برای روشن نگه داشتن آتش جنگ و یا سرکوب نیروهای مترقی و آزادیخواه استفاده کند، ولی اکثریت جوانان کشور، امروز از حاکمیت موجود کناره گرفته‌اند.

امروزه جوانان و خانواده‌ها به خوبی می‌دانند، دست‌های پرتوان و قلب‌های پر اشتیاقی که می‌بایست ایران آباد و مستقل فردا را پایه‌نهند، پیام‌آور عشق و دوستی و تلاش برای آینده بهتر باشند، یادگرهای سرخفته‌اند و یا بر آنها زنجیر زده شده، بی‌رمق و سرخورده به گوشه خانه‌ها خزیده‌اند. آنچه امروز بر جوانان می‌گذرد، معجونی از نگرانی، خشم و سرخوردگی است که بطور مستقیم از مشکلات و مسائل هر روزه آنها ناشی می‌شود. نگاهی گذرا به این مشکلات و مسایل درک روحیه امروز جوانان ایران را آسانتر می‌کند.

آینده تاریک و مبهم جوانان

رژیم ارتجاعی حاکم بر کشور با خیانت به آرمان‌های مردم و زیرپا گذاشتن شعارهای اساسی انقلاب یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، علاوه بر گامی در جهت بهبود زندگی کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان پر نداشتند. وضعیت زندگی و کار توده‌های محروم هر روز بدتر از پیش می‌شود. این شرایط دشوار برای خانواده‌ها، بطور مستقیم بر زندگی جوانان تأثیر می‌گذارد و بی‌آمدهای ناگواری در همه جنبه‌های زندگی آنها پدید می‌آورد.

سیاست‌های ضد کارگری رژیم شرایط دشوار و طاقت فرسایی را بر نوجوانان و جوانان زحمتکش تحمیل کرده است. هم اکنون صدها هزار کارگر کم سن و سال به دلیل فقر، محرومیت و نبود امکانات به جای حضور در مدرسه، تحت بدترین شرایط کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و مزارع به کار مشغولند.

بیکاری وسیع در میان جوانان که قبل از انقلاب به عنوان یک مشکل در برابر جامعه قرار داشت، پس از انقلاب نه تنها کاهش نیافت، بلکه به علت رکود اقتصادی، بسته بودن راه ادامه تحصیل در دوره آموزش عالی، اعمال انواع تبعیض‌ها در مورد جوانان و... افزایش چشمگیری هم یافته است. گسترش بیکاری پنهان و اشتغال کاذب مانند دستفروشی در میان جوانان همه مناطق ایران از نشانه‌های وسعت این بیکاری است.

جنگ ایران و عراق که بر خلاف خواست دو ملت و منافع خلق‌های منطقه و در جهت منافع امپریالیسم، ولی به برکت سیاست کور و مملکت برپا شده حاکمیت ج.ا. همچنان شعله وراست، هر روز قربانیان جدیدتری از میان جوانان بیگانه می‌گیرد. ادامه این جنگ خانمانسوز از نگرانی‌های جدی جوانانی است که امروز دیگر حاضر نیستند جان خود را به خاطر کودنی سیاسی و عظمت طلبی خود پسندانه رهبران کشور فدا کنند.

در زمینه مسایل آموزشی که یکی از مشکلات مهم جوانان به شمار می‌رود، وضع به گونه‌ای غیر قابل تحمل درآمده است. اظهارات پراکنده مسئولین نشان می‌دهد تعداد جوانان در سن تحصیل که به نظام آموزشی راهی ندارند سریعاً افزایش می‌یابد. تغییر بنیادی نظام آموزشی به بوته فراموشی سپرده شده و چند اقدام پراکنده و وضعیتی را بدتر کرده است. کمبود معلم و امکانات، نازل بودن کیفیت آموزشی و افت تحصیلی در همه سطوح چشمگیر است. طبق اظهار مسئولین آموزش و پرورش هنوز مدارس با کمبود ۵ هزار معلم روبرو هستند.

۵ سال است مسئولین آموزش و پرورش از تغییر جهت نظام آموزشی، بسوی یک آموزش عملی و کارآ صحبت می‌کنند. درحالی‌که طبق آمار خود وزارتخانه طی دو سال آینده شکاف بین آموزش غلی مورد نیاز جامعه و دوره‌های نظری غیر ضروری ۲۰٪ دیگر افزایش خواهد یافت.

در طول ۵ سال پس از انقلاب بیش از یک میلیون نفر از مدارس متوسطه کشور فارغ‌التحصیل شده‌اند که فقط چند ده هزار نفر، آنهم بطور عمده از نورچشمیان انجمن اسلامی به دوره‌های آموزش عالی راه یافته‌اند. سخنان رییس دانشگاه صنعتی در این زمینه بسیار گویاست: "یک بعد از مشکل که ما با آن در اول مهر روبرو بودیم، ضعف معلومات تعداد زیادی از دانشجویانی بود که از سوی گزینش به دانشگاه ما معرفی کرده بودند... تعداد زیادی از دانشجویان نتوانستند واقعا خود را بکشاندند... اینها آمدند و درخواست کلاس تقویتی کردند که البته کلاس‌های تقویتی هم با زحیران کمبود را نمی‌کند. چرا که مشکل این قبیل دانشجویان عمیق‌تر از آنست که ما بتوانیم با کلاس‌های تقویتی دانشگاه این ضعف‌ها را برطرف کنیم." (اطلاعات ۳۴ دی ماه ۱۳۶۲)

وضعیت دانشگاه‌ها، پس از سه سال تعطیلی، رکود، اخراج هزاران استاد با صلاحیت، ده‌ها هزار دانشجوی دگراندیش و آزادیخواه و تحصیل اندیشه‌های ضد ملی و قشری به محیطهای دانشگاهی، ایجاد جو اختناق در دانشگاه‌ها و... بی‌نیاز از توصیف است.

در سایر زمینه‌های زندگی و فعالیت جوانان، شرایطی به همین اندازه تاسف‌آور حاکم است. همان اندک کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی موجود به جوانان عناصر قشری و کومه‌بین و فعالیت‌های بی‌روح و ملال‌آور آنها که هیچ جذابیت و محبوبیتی میان جوانان ندارد، بدل شده است. کافیسیت در هر یک از این زمینه‌ها، یکی از مسولین رژیم ج.ا. دهان بکشاید تا معلوم شود که حتی کلی باقی‌های فیلسوف-مآبان آنها چقدر با نیازهای جسمی و روحی امروز جوانان فاصله دارد.

دختران جوان علاوه بر همه مسایل فوق‌الذکر به جرم دختر بودن، باید محرومیت‌های بیشتری را

سازمان جوانان توده ایران در مبارزه برای دگرگونی بنیادی نظام آموزشی

بقیه از صفحه ۱
 - به عنوان یک خواست اساسی مردمی، پیسواد را باید با استفاده از نیروی عظیم جوانان داوطلب مدارس و دانشگاه‌ها و با بهره‌گیری از تجربه ارزشمند کشورهای انقلابی مانند ویتنام، کوبا، نیکاراگوئه و اتیوپی سرپا و طی یک برنامه ضربتی حل کرد.

- نظام آموزشی کشور باید در تمام ابعاد، دگرگون شود و نظام نوین آموزش و پرورش برپایه نیازهای واقعی کشور ایجاد گردد بطوری که - همه انواع تبعیض میان دانش آموزان شهر و روستا، دختران و پسران سرپا زده شود. - بخش عظیمی از نوجوانان و جوانان که به تحصیل دسترسی ندارند و یا به خاطر مشکلات خانوادگی ترک تحصیل می‌کنند، باید با برنامه‌ریزی مشخص و بتدریج زیر پوشش نظام آموزشی قرار گیرند. - هماهنگی لازم میان برنامه‌های آموزشی و برنامه‌های پیشرفت اقتصادی و اجتماعی در جهت تامین نیروی انسانی متخصص سال‌های آتی بوجود آید. - کاهش تدریجی و برنامه‌ای دانش‌جویان و دانش‌آموزان در رشته‌های نظری و غیر عملی، از طریق گسترش شبکه هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای، کشاورزی، تشویق جوانان به تحصیل در رشته‌های عملی و به موازات آن، ایجاد امکان مساعد برای ادامه تحصیل هنرجویان پس از فراغت از تحصیل و یا در جریان کار. - بالا بردن کیفیت نظام آموزشی از طریق به کار گیری روش‌های نوین آموزشی، تلفیق تئوری و عمل، بالا بردن دانش سطح معلومات معلمان و استادان. - گسترش شبکه تربیت معلم و دبیر در تمام استان‌ها به منظور رفع سریع کمبود معلم و دبیر و تامین نیروی انسانی آموزشی در سال‌های آتی. - تلفیق آموزش و کار تولیدی، به عنوان یک اصل اساسی در آموزش و پرورش نوین از طریق شرکت دانش آموزان و دانشجویان در فعالیت‌های تولیدی واحدهای صنعتی، کشاورزی و خدماتی. - تغییر اساسی در کتب و برنامه‌های درسی در جهت حذف موارد غیر ضروری، وارد کردن آخرین دستاوردهای علمی و تدوین کتاب‌های جدید با روح مردم دوستی، عشق به میهن، کار و آزادی و نیز بازگویی حقایق تاریخی و آشنا کردن جوانان

با فرهنگ و هنر متمدن ایران و جهان. - حق تحصیل به زبان مادری برای خلق‌های غیر فارس. - مشارکت فعال همه دانش‌آموزان و دانشجویان در اداره واحدهای آموزشی، رعایت اصول دموکراسی در واحدهای آموزشی و آزادی تشکیل سازمان‌های صنفی برای جوانان در جریان تحصیل. - گسترش فعالیت‌های هنری، فرهنگی و ورزشی در مدارس و دانشگاه‌ها. - شرکت دادن دانش‌آموزان و دانشجویان در فعالیت‌های اجتماعی سازنده و مفید و استفاده از نیروی عظیم آنها در نوسازی جامعه.

فعالیت‌های سازمان جوانان توده ایران در واحدهای آموزشی در چهارچوب این برنامه گسترده هر روز ادامه وسیعتری یافت و نقش مهمی در پیشبرد و اعتلای جنبش دانش‌آموزی و دانشجویی ایفا کرد. اما در برابر تلاش‌های سازنده و درجه عالی شورانقلابی جوانان، مسئولین ج.ا. از همان ابتدا راه دیگری در پیش گرفتند. آموزش و پرورش که از گذشته یکی از پایگاه‌های اصلی فعالیت سازمان ضدانقلابی، پلیسی - سیاسی حجتیه به شرمی رفت، پس از انقلاب نیز بتدریج و بطور برنامه‌ریزی شده تحت نفوذ کامل باندهای حجتیه و دیگر قشرین ارتجاعی قرار گرفت. معلمان و کارکنان مومن و مترقی مذهبی و غیر مذهبی بطور وسیع کنار گذاشته شدند، با قرار گرفتن پرورش در راس وزارت، عملاً سرنوشت نظام آموزشی کشور یکسره و بطور کامل در

دست قشری‌ترین و ارتجاعی‌ترین محافل حاکمیت قرار گرفت. فعالیت ۲ ساله دارو دسته پرورش یکی از تاریک‌ترین دوره‌های آموزش و پرورش طی دهه‌های اخیر به شرمی رود.

"پرورش" که با شعار "سال حاکمیت الله" زنگ مدارس را در مهر ماه ۱۳۶۰ به صدا در آورد، بخش اصلی فعالیت خود را به ایجاد سکوت گورستانی در مدارس، ایجاد محیط ترس و جاسوسی و حذف کامل نیروهای مترقی مسلمان و غیرمذهبی از آموزش و پرورش، بازداشتن دانش‌آموزان از پرداختن به مسایل سیاسی، اخراج هزاران دانش‌آموز دگراندیش، اشاعه باورهای کهنه پرستانه و ارتجاعی، مبارزه پیکر با سازمان‌های مترقی و همه گونه نهادهای صنفی و تشکل‌های دانش‌آموزی، سرکوب هر گونه حرکت اعتراضی... اختصاص داده است. آنچه مسئولین آموزش و پرورش تحت عنوان تغییر بنیادی نظام آموزشی ارائه می‌کنند، از اجرای مسخ شده برنامه تلفیق آموزش با کار (طرح‌کاد) بصورت فرستادن اکثر دانش‌آموزان به کارگاه‌های ابتدایی پیشه‌وری و عملی کردن آن برای دختران در خانه‌ها (خیاطی، آشپزی و...) و نیز تغییر چند کتاب تاریخ و علوم مبارزات یک ملت و مسموم کردن ذهن توده‌های جوان، حجیم تر کردن کتب تعلیمات دینی و چند تغییر ساده دیگر در حد عوض کردن اصطلاحات

فرا ترمی رود. اما در زمینه‌های دیگر مشکلات آموزشی نه تنها گامی برای بهبود و تغییر اساسی برداشته نشده است، بلکه در مواردی وضع بدتر هم شده است. از آن جمله است: ممنوع کردن کلاس‌های مختلط در روستاها و در نتیجه ترک تحصیل تعداد زیادی از دختران روستایی، تعیین حد نصاب برای تشکیل کلاس در مناطق روستایی و در نتیجه انحلال بسیاری از کلاس‌ها به خاطر نرسیدن به حد نصاب لازم، فشار بی‌رویه بر مدارس دخترانه در جهت تشویق دختران دانش‌آموز به ترک تحصیل و یا ادامه تحصیل در رشته‌هایی غیر از ریاضی، فنی، کشاورزی، عدم توجه به آموزش فنی، حرفه‌ای و کشاورزی و در نتیجه افزایش نسبی دانش‌آموزان در رشته‌های غیر فنی و ده‌ها مورد دیگر از این نمونه. کارنامه وزارت علوم نیز چیزی در همین حد است. تعطیل طولانی دانشگاه‌ها و بازگشایی این مراکز پس از اخراج‌های وسیع دانشجویان، استادان در شرایط کمبود کامل کادر علمی، علم ستیزی، ایجاد محیط اختناق در دانشگاه‌ها...

علیرغم همه فشارها و تهدیدها جوانان و خانواده‌ها در برابر سیاست‌های ارتجاعی، علم ستیزانه و سرکوبگرانه مسئولین آموزش و پرورش میدان مبارزه را خالی نگذاشتند. جنبش اعتراضی خانواده‌ها و دانش‌آموزان در سال تحصیلی ۶۱-۶۰ و پس از آن یکی از چشمگیرترین مقاومت‌های مردم در برابر حاکمیت و سیاست‌های واپس‌گرایانه آن به شرمی رود. با وجود جو پلیسی - جاسوسی حاکم بر مدارس، ده‌ها اعتصاب در گوشه و کنار کشور به وقوع می‌پیوندد. روزی نیست که مطبوعات با وجود سانسور شدید به خاطر فشار بیش از حد مردم، گوشه‌هایی از این ناراضیاتی عمومی را منعکس نکنند.

امروز جوانان در محیط‌های آموزشی برای مبارزه با سیاست‌های ارتجاعی حاکم بر آموزش و پرورش در اشکال مختلف متحد می‌شوند. بدون تردید نیروهای انقلابی و در پیشاپیش آنان سازمان جوانان توده ایران در پیشبرد و اعتلای این مبارزه نقش اساسی ایفا خواهند کرد.



۴۱ سال مبارزه پیگیر در راه حقوق ...

بقیه از صفحه ۱

زحمتکشان جوان در مبارزات شد فاشیستی و آزادی خواهانه مردم ایران در سال‌های پس از ۱۳۲۰، در مبارزه برای ملی شدن نفت، در نبرد علیه دربار فاسد و وابسته در سال‌های پس از ۱۳۲۰، در پیکار علیه کودتای آمریکایی و در مبارزات مردم در سال‌های پس از کودتا و ... بر شمرده است.

از سوی دیگر زحمتکشان جوان با حضور گسترده خود در سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری و دهقانان، با شرکت در مبارزه کارگران و دهقانان، خواست‌های ویژه خود یعنی منع کار کودکان، اجرای اصل تحصیل اجباری، برخورداری از مزد مساوی در برابر کار مساوی، ممنوع کردن کارهای دشوار برای جوانان، اجرای قانون حدوده قانونی مدت کار و مرخصی و ... را مطرح می کردند.

بدین ترتیب توده عظیم زحمتکشان جوان تحت رهبری سازمان جوانان توده ایران، جایگاه شایسته خود را در مبارزه اجتماعی و طبقاتی مردم ما می یابد و با برخورداری از شش طبقاتی و شور جوانی در پیشبرد این مبارزات نقش موثری ایفا می کند. سند زیرین از روزنامه "رزم" ازگان سازمان جوانان توده ایران در این زمینه بسیار گویاست: "رزم" در پیام اول ماه مه ۱۳۳۲ می نویسد: "زحمتکشان جوان ایران در نهضت به خاطر صلح، استقلال ملی و دفاع از حقوق نسل جوان کشور ما بیش از هر قشر دیگر جوانان ما سهم دارند... در سال‌های ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳، کنفرانس‌های دفاع از حقوق جوانان کارگر و دهقان رونق خاصی به نهضت دفاع از حقوق نسل جوان ایران بخشید. این کنفرانس‌ها پر جمعیت ترین، وسیع ترین و بارورترین مجالس توده جوانان زحمتکش به شمار رفتند. جوانان زحمتکش حزب توده ایران را آنچنان سازمان سیاسی می شناسند که آرمان‌های طبقه کارگر را در کشور ما تحقق خواهد بخشید و زحمتکشان شهر و روستا را از قید استثمار نجات خواهد داد. سازمان جوانان توده ایران، فرزند وفادار حزب توده ایران که شعارهای حزب را در میان نسل جوان اشاعه می دهد و آنان را به راه حزب راه سعادت و راه زحمتکشان هدایت می کند، به همین سبب محبوب جوانان است.

سال‌های سلطه حکومت ننگین شاه بر ایران برای جوانان و نوجوانان محروم نیز مانند دیگر زحمتکشان به حق سال‌های سیاه بود. سهم توده‌های زحمتکش از تاراج بی حد و حساب منابع ملی، بدبختی، فقر و محرومیت روز افزون بود. در آستانه باسلاح "مدن بزرگ شاهنشاهی" استفاده از کار کودکان و وسیع‌گسترش یافته بود و کمتر کارگاهی بود که از نوجوانان کم سال نشانی نباشد. زحمتکشان کم سن و سال در برابر ساعات کار طولانی از دستمزد ناچیزی برخوردار بودند و تحت حمایت هیچ قانونی قرار نداشتند و توسط کارفرمایان، مورد تحقیر حتی تنبیه بدنی قرار

می گرفتند...

بدین ترتیب پس از انقلاب، مسئله بزرگ اجتماعی استثمار نوجوانان و جوانان بطور گسترده و جدی در برابر سازمان جوانان توده ایران قرار داشت.

چهار چوب اصلی مبارزه برای منع کار کودکان و نوجوانان در ایران و در راه تامین حقوق کارگران جوان از این قرار است: - سازمان جوانان توده ایران برای ممنوع کردن کار نوجوانان کمتر از ۱۴ سال، اهمیت فراوان قابل است. تحقق این خواست مهم زحمتکشان با اجرای عملی و برنامه ریزی شده قانون تحصیل اجباری و رایگان برای نوجوانان تا ۱۴ سال و نیز از طریق پرداخت کمک هزینه به آندسته از نوجوانانی که به خاطر مشکلات خانواده از تحصیل کناره می گیرند، میسر است... در شرایط کنونی

باید کارگران نوجوان و جوان تحت پوشش قوانین موجود در ارتباط با مسائل کار و کارگری قرار گیرند. قانون کار جدید باید به مسایل و مشکلات زحمتکشان جوان توجه ویژه مبذول کند. - کارگران نوجوان و جوان باید از مزد مساوی در برابر کار مساوی با دیگران برخوردار باشند. قوانین مربوط به ساعات قانونی یک هفته کار، حداقل دستمزد و مرخصی سالیانه باید زحمتکشان جوان را هم در بر بگیرد... وضعیت بهداشتی و ایمنی محیط‌های کار، باید از طریق کنترل‌های دایمی بهبود یابد. - سپردن کارهای دشوار و وحشیانه به کارگران جوان و نوجوان باید ممنوع شود... زحمتکشان جوان هم باید تحت پوشش تامین اجتماعی قرار گیرند و در برابر بیماری‌ها و حوادث بیمه شوند... باید با استفاده از امکانات هنرستان‌های فنی و کشاورزی و مراکز حرفه‌آموزی وزارت کار، دوره‌های کوتاه مدت ویژه نوجوانان و جوانان شاغل ترتیب داد تا با افزودن مهارت فنی آنان، شرایط کاری و زندگی آنها بهبود یابد. جوانان باید در دوران کارآموزی از سوی دولت یا کارگاه و کارخانه مربوطه، کمک هزینه دریافت کنند... زحمتکشان جوان باید حق داشته باشند مانند دیگر زحمتکشان، آزادانه در سندیکاها و سازمان‌های صنفی خود گرد آیند و برای دفاع از حقوق خود مبارزه کنند... زحمتکشان جوان و نوجوان باید از امکانات فرهنگی، هنری و ورزشی جامعه به سهم خود بهره ببرند. باید از طریق تشکل‌های صنفی موجود و نیز ازگان‌های محلی اقدامات جدی به عمل آورد.

مبارزه پیگیر و خستگی ناپذیر سازمان جوانان توده ایران در چهار چوب فوق، در تمام دوران پس از انقلاب تا به امروز استقبال روز افزون توده زحمتکشان جوان و نوجوان را به نظرات و برنامه‌های حزب توده ایران در پی داشته است. آنها مضمون سیاست‌های ارتجاعی ضد مردمی، ضد کارگری مسئولین ج.ا. و خیانت آنان به آرمان‌های انقلاب، یعنی

استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را علیرغم همه تبلیغات فریبکارانه با گوشت و پوست خود لمس کرده اند. همه نوجوانان و جوانان زحمتکش شاهد آنند که چگونه مسئولین وزارت کار، نسبت به شرایط دردناک و غیر انسانی کار آنها بی اعتناست و حتی در چهار چوب‌های شرعی و "روابط استاد و شاگردی" آنها قانونی هم جلوه می دهند. آنها به خوبی در یافته‌اند که مضمون سرکوب شکنجه و اعدام توده‌ای و فداکاری و مجاهد چیزی جز سرکوب صدای حق طلبانه و عدالت‌جویانه پیگیرترین انقلابیون میهن ما نیست. از این رو نوجوانان و جوانان زحمتکش نیز مانند دیگر توده‌های محروم، برای کسب حقوق حقه خود به توسط سرمایه‌داران و زمین داران بزرگ و دولت حامی، کانون پامال می شود، قاطعانه مبارزه می کنند و بیش از گذشته به اندیشه‌های مردمی و انقلابی حزب بزرگ خود، حزب توده ایران، ایمان می آورند. ●

جمهوری اسلامی ...

بقیه از صفحه ۲

هم تحمل کنند. ورود به برخی از رشته‌های دانشگاهی برای آنها ممنوع است. اگر پیش از این به علت کمبود امکانات در روستاها، دختر و پسر با هم در یک کلاس درس می خواندند، اکنون چون این کمبود "اشکالات شرعی" بوجود می آورد دختران را از تحصیل محروم می کنند. مسئولین امور تربیتی مدارس، دختران را تشویق می کنند به جای درس خواندن ازدواج کنند و حتی صیغه شدن را برای دختران به عنوان امری واجب تبلیغ می کنند. دختران باید در مدارس خود که هیچ اثری از مرد نیست اکیدا حجاب را رعایت کنند و گرنه به جرم بی حجابی از مدرسه اخراج می شوند. از ورزش دختران، صحبتی نباید به میان آورد. فعالیت هنری دختران هم گناه کبیره محسوب می شود. دختران جوان حتی اگر با برادر خود از خانه خارج شوند، باید مآزرک کاهی جهت اثبات این پیوند خونی همراه داشته باشند تا توسط گشت‌های مختلف بازداشت نشوند.

- حاکمیت ج.ا. و اهرم‌های اجرایی آن با تمام نیرو از متشکل شدن جوانان حتی در سطح تیم‌های ورزشی محلات، مدارس و دیگر محیط‌های آموزشی و کار جلوگیری می کنند. در مدارس و دانشگاه‌ها، محلات و محیط‌های کار هرگونه فعالیت، بجز آنچه انجمن اسلامی بخواهد، عملاً ممنوع و پیگرد قانونی بدنبال دارد. بدین ترتیب در زمینه آزادی‌های سیاسی و صنفی نیز جوانان دچار همان فضای مسموم و خفقان آوری هستند که رژیم برای همه مردم ایجاد کرده است.

● آنچه گفته شد برای نشان دادن جهشی که حاکمیت ج.ا. برای میلیون‌ها نوجوان و جوان پر شور و انقلابی ایجاد کرده است، کافست. جوانان ایرانی امروز در برابر خود آینه‌ای کاملاً مبهم و تاریک دارند و از هر روز زندگی جز رنج نصیبی نمی برند. جوانان ایران امروز این رژیم را خائن به انقلاب و آرمان‌های مردمی آن می دانند. ●